

## نقد و بررسی کتاب : دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی

نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان

مطالعات جدید درباره‌ی دولت، سیاست و جامعه‌ی ایران غالباً بر پایه‌ی نظریه‌هایی انجام گرفته است که برای مطالعه‌ی جامعه‌ی اروپایی پدید آمده‌اند و همین باعث ناکامی آن نظریه‌ها در تبیین برخی از پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی و اجتماعی ایران شده است. کاتوزیان، با توجه به این واقعیت، نظریه‌ی جدید و متفاوتی عرضه کرده است که تناوب پیوسته‌ی استبداد و هرج و مرج را ویژگی تاریخی سیاسی ایران می‌شمارد. در کتاب حاضر، این نظریه به‌طور تفصیلی و کامل با تحلیل شواهد تطبیقی از تاریخ ایران و اروپا در زمینه‌ی چگونگی مالکیت، قانون، مشروعیت، عصیان، تحرک اجتماعی، و غیره عرضه شده است. پس از آن این نظریه، به عنوان الگوی جامعه‌شناسی تاریخی ایران، در مورد رویدادهای پایان قرن نوزدهم ایران به‌کار بسته می‌شود و شواهد فراوانی از رویدادهای این دوره‌ی نسبتاً کوتاه در تأیید آن دیدگاه به دست می‌آید. نظریه‌ی یادشده به‌نوبه‌ی خود در فهم و تحلیل وقایع و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره راه‌گشاست.

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب *Eclipse Of The Qajars And The Rise Of The State And Society In Iran: The Pahlavis* به‌قلم حسن افشار که نخست در ۱۳۷۹ و سپس با بازبینی و اصلاحات مؤلف کتاب، محمدعلی همایون کاتوزیان، در ۱۳۸۰ از سوی نشر مرکز به‌چاپ رسید.

## نقد و بررسی کتاب «دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی»؛

شهرزاد لامعی - شیخ زین الدین ، کارنوشت دانشجویی برای درس مبانی تاریخ اجتماعی ایران

موضوع: خلاصه و نقد کتاب ، زیر نظر دکتر محمدرضا جوادی یگانه ، تیر ۱۳۸۵

مقدمه:

کتابی که ما برای کار تحقیقی درس مبانی تاریخ اجتماعی ایران انتخاب کرده‌ایم دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی نام دارد که اثر دکتر محمد علی همایون کاتوزیان می‌باشد این کتاب همان طور که از نان بر می‌آید تحولات اجتماعی و سیاسی ایران را از زمان سقوط قاجار (۱۲۱۵ شمسی) تا پایان حکومت رضاشاه (۱۳۲۰ شمسی) بررسی می‌کند.

درباره نویسنده اثر

دکتر محمد علی همایون کاتوزیان که در کالج سنت انتونی و دانشکده‌ی شرق شناسی دانشگاه آکسفورد به تدریس اشتغال دارد و به خاطر تحقیق‌ها و تالیف‌های متعدد در زمینه‌های اقتصادی تاریخی و ادبی در ایران و جهان شناخته شده است در مقاله‌ای هشتگانه‌ی این کتاب تحلیل خود را درباره‌ی زندگی، دیدگاه و خصلت‌های برخی از شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران داده است برخی از این شخصیت‌ها عبارتند از: احمد کسر وی، سید حسن تقی‌زاده، دکتر محمد علی مجتهدی، فروغ فرخزاد، یک مقاله نیز به مشروعیت سیاسی و پایگاه اجتماعی رضاشاه می‌پردازد.

مقاله‌ها استوار بر مستندات و در گوناگونی خود روشنایی‌هایی هستند که به گوشه‌هایی از تحولات تاریخ معاصر ایران.

همان گونه که دکتر کاتوزیان در پیشگفتار کتاب آورده است: کتاب حاضر در برگزیده‌ی دو اثر تحقیقی است و در مجلد واحدی، یکی از آنها مطالعه‌ای است که درباره‌ی دولت و جامعه در ایران به طور کلی؛ با توجه خاص به دوره‌ای که از

قتل ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ آغاز می‌شود و به پایان حکومت رضاشاه پهلوی در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰/۱۹۴۰ شمسی ختم می‌گردد دیگری گزارش و تحلیل دقیق و مستند و موبه‌مویی از قرارداد ۱۲۹۸/۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۱ است که نتیجه‌ی مستقیم، آن قرارداد بود. [۱]

وی در این کتاب سعی کرده است تا حوادث و رخدادهاي تاريخي را با يك نگاه جامعه‌شناسانه مورد بررسی قرار دهد چرا که وی در این اثر صرفاً به بیان رویدادهای تاریخی و شرح و توصیف سطحی آنها نپرداخته است بلکه سعی نموده تا علل و چگونگی وقوع هر يك از حوادث را با در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی آنها مورد توجه قرار دهد و حتی نظرات خود را نیز در رابطه با بیان برخی از رویدادهای تاریخی که توسط شخصیت‌های پیشین مطرح شده ابراز کند.

«دولت و جامعه ایران»، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، کتابی است که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۹ خورشیدی توسط نشر مرکز منتشر شد و نویسنده‌ی آن دکتر محمد علی همایون کاتوزیان است.

دکتر همایون کاتوزیان نظریه‌ای جدید و متفاوت در مطالعات تازه‌ای درباره‌ی دولت، سیاست و جامعه‌ی ایران عرضه کرده است که تناوب پیوسته‌ی استبداد و هرج و مرج را ویژگی تاریخ سیاسی ایران می‌شمارد. در این کتاب، این نظریه به طور تفصیلی و کامل و با تحلیل شواهد تطبیقی از تاریخ ایرا و اروپا در زمینه‌ی چگونگی مالکیت، قانون، مشروعیت، عصیان، تحریک اجتماعی، و غیره عرضه شده است.

در عجبم که برای ایرانی و افکار و سیاست او، هزاران نظریه و ایده از سوی ایرانیان و خارجیان مطرح شده و هنوز هم هیچکدام نفهمیده‌اند که ایرانی کیست و تفکرش چیست؟!

در صحنه‌ی پایانی کتاب مورد بحث، پرسش جالبی مطرح شده:

گاه این پرسش مطرح می‌شود که روی هم رفته ایران بدون رضاشاه سود می‌کرد یا زیان می‌دید؟ پاسخ این است که اگر بدون او هرج و مرج و خطر تجزیه از بین نمی‌رفت همان بهتر که او ظهور کرد... زیرا حتی حکومت استبدادی بی‌رحم او از هرج و مرج دائمی بهتر است.

دوره‌ی تاریخی مورد نظر دکتر کاتوزیان، جامعه‌ی استبدادی ایران را به خود نشان می‌دهد جامعه‌ای که در برگیرنده چرخه‌ای از دولت‌های استبدادی است که عمر هر دولت با شورشی پایان می‌گیرد و سپس آشوب و هرج و مرج حکم فرما می‌گردد تا اینکه دولت جدیدی به آن پایان بخشد و حکومت استبدادی را احیا کند. [۲]

اما به نظر من نویسنده در این کتاب سعی داشته است که بر اساس مدارک و شواهد تاریخی اتفاق‌ها و حوادث مهمی که در دوره‌ی زمانی مورد مطالعه‌اش به وقوع پیوسته از جمله قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۱ را هر چه بیشتر برای خوانندگان توصیف کرده و تحلیل کند که البته در رابطه با نتیجه‌ی مطالعات و تحقیقات او همان طور که خود نیز عنوان می‌کند، (در قسمت پیشگفتار کتاب) نتایج دور از انتظاری نبود و نتیجه‌گیری‌ها همان‌هایی بودند که حدود دو دهه‌ی پیش در کتاب اقتصادی سیاسی ایران، در کودتای مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران و در مقالاتی به انگلیسی و آثار دیگری به فارسی توسط خود نویسنده منتشر شده بود.

در واقع دکتر کاتوزیان با انگیزه خود را در رابطه با این کتاب شناخت بهتر اتفاقات گذشته و بدست آوردن چارچوب تحلیلی برای فهم بهتر اتفاقات و حوادث امروز و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی عقلانی‌تر آینده می‌داند که شاید این همان انگیزه و هدفی است که تمام کتاب‌های تاریخی می‌بایست آن را دنبال کنند هر چند کتاب‌های تاریخی هم وجود دارد که صرفاً اتفاقات و رویدادهای گذشته را برای ما توصیف می‌کنند و از توضیحات عمیق‌تر راجع به حوادث و موشکافی‌های بیشتر در رابطه با آنها پرهیز کرده‌اند.

همان طور که گفتیم کتاب حاضر چاپ اول آن مربوط به سال ۱۳۷۹ می‌باشد در سال ۱۳۸۴ برای سومین بار تجدید چاپ شده است این کتاب در یازده فصل جمع‌آوری گردید که.

## فصل اول:

حکومت استبدادي نظريه تطبيقي دولت، سياست و جامعه در ايران است که در اين فصل نويسنده يادداشت‌هاي روشني شناختي، احکام اوليه و يادداشت‌هاي کوتاهي درباره‌ي ايران قلم بيستم و تحليل مارتين هر ترس از اوضاع سياسي ايران آورده است و در آخر اين فصل (همانند ساير فصول) پي‌نوشت‌هاي مربوطه ضميمه گرديده است.

## فصل دوم: آزادي و لجام گسيختگي در انقلاب مشروطه

که در اين فصل نيز نويسنده به هرج و مرج‌ها و آغاز مبارزات براي مشروطه و مطرح شدن بحث مشروعيت در برابر مشروطيت و سپس آزادي و لجام گسيختگي مي‌پردازد.

## فصل سوم: مشروطيت و هرج و مرج

در اين فصل قضيه شوستر و ارزيابي ان، و از طرفي ظهور ناسيوناليسم مورد بحث قرار مي‌گيرد.

## فصل چهارم: مبارزه براي قرارداد ۱۹۱۹

در اين فصل نويسنده کابينه وثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹ را شرح داده و تحليل مي‌کند.

## فصل پنجم: مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹

اين فصل به بررسي انواع مبارزات داخلي و خارجي مي‌پردازد و به مبارزات فزاينده آمريکا، روس‌ها به طور جداگانه اشاره مي‌نمايد.

## فصل ششم: سقوط وثوق‌الدوله

در اين فصل نيز سقوط وثوق‌الدوله از طريقي و سقوط خياباني از طرف ديگر مورد بحث قرار مي‌گيرد و همچنين دولت مشيرالدوله و نيز عنوان بحث ديگر فصل مي‌باشد.

## فصل هفتم: سقوط مشيرالدوله

اين فصل به بررسي مسائل ماليه و انتخابات، ژنرال آيروسايد و کودتا عليه استاروسلسکي و به دنبال آن استعفای مشيرالدوله مي‌پردازد.

## فصل هشتم: زمينه کودتا

در اين فصل عواملی که منجر به کودتا شد مطرح مي‌شود.

## فصل نهم: کودتا

در اين فصل پس از شرح کودتا در سال ۱۲۹۹ شمسي به واکنش‌ها و دولت انگليس در برابر کودتا و همچنين واکنش خود ايرانيان اشاره مي‌کند.

## فصل ۱۰: رضاخان و پايان هرج و مرج

این فصل نگاهی به شخص ر ضاخان و زندگی پادشاهی او می‌اندازد و بعد نیز مبارزه برای ریاست جمهوری و انقراض قاجاریه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل ۱۱: رضاشاه استبداد مدرن

روی کار آمدن رضاشاه و برآوردی عمومی از حکومت او بحث‌هایی در این زمینه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

از آنجا که ما به صورت يك گروه دو نفری به این کار تحقیقی می‌پردازیم بر آن شدیم که برای پیشبرد فعالیت خود و ارائه کار تحقیقی بهتر و صرفه‌جویی در وقت بخش‌های مختلف کتاب را بین خودمان تقسیم کردیم تا هر کدام به طور جداگانه و با دقت بیشتری به مطالعه این اثر پردازیم. همچنین با استفاده از سایت‌های اینترنتی اطلاعات کامل‌تری درباره موضوع‌های مورد نظر خود بدست آوردیم و در این بین درباره‌ی سوالاتی که ضمن مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات ذهنمان را مشغول می‌کند با هم به بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر پردازیم به این ترتیب ما از همان ابتدا سعی می‌کردیم که این سوالات را به طور جداگانه یادداشت کنیم و برای بدست آوردن پاسخ‌های آنها با مطالعه‌ی بیشتر کتاب و برخی اثرهای دیگر به یکدیگر یاری رسانیم از جمله این سوالات:

۱- انقلاب مشروطه چه دستاوردهای مثبتی و منفی با خود به همراه داشت و به عبارت دیگر آیا وقوع این انقلاب مفید به حال مردم و جامعه بود یا نتیجه‌ای جز هرج و مرج در پی نداشت؟

۲- چگونه مشروعیت در برابر مشروطیت قرار گرفت و آیا این (مشروطیت و مشروعیت) به طور طبیعی در مقابل هم و در تضاد با هم هستند یا خیر؟

۳- زمینه‌های اجتماعی که منجر به عقد قرارداد ۱۹۱۹ شد چه بود؟

۴- چه عواملی سبب کودتای ۱۲۹۹ شد؟

۵- چرا مشروطیت نتوانست بعد از کودتا و زمان رضاخان ادامه حیات دهد؟

(به عبارت دیگر چرا مشروطیت ناکام ماند؟)

پاسخ به سوالات تحقیق:

دستاوردهای انقلاب مشروطه

ارمان‌های انقلاب مشروطه در ایران برای پیشگامان انقلاب روشن بود. آن‌ها از ستم به ستوه آمدن بدوند و عدالت می‌خواستند. مردم در پی آن بودند تا اندکی از فشار استبداد بکاهند و قدرت سلطه شاه را که بازیچه استعمار بود، مهار کنند، این بود که مردم واژه مشروطه و ساخت عثمانی را پذیرفتند، از آن روی بود که می‌خواستند حکومت شاه را مشروط به رای مردم خود کنند. اما به دلایل فراوان این انقلاب ناکام شد.

بعد از قیام تنباکو در سال‌های ۱۸۹۰-۱۸۹۲/۱۲۶۸-۱۲۷۰ ش روشنفکران مجتهد شروع به تاکید بیشتر بر حکومت مشروط کردند. همچنین در مواردی ایجاد درک تازه‌ای از میهن پرستی حتی ناسیونالیسم را اگر چه به صورت کم و بیش پوشیده آغاز کردند. تجار از منافع خویش آگاهتر شدند. اگر چه اصناف مختلف آنها منافع یکسانی نداشتند. گروه ناهمگون تر علما بودند، هر چند غالب آنها احساس می‌کردند که به عنوان رهبران مردم باید ندای جامعه را پاسخ دهند. (۲)

از این رو قیام تنباکو در حکم تمرین موفقیت آمیزی برای انقلاب مشروطه در اوایل قرن ۲۰ بود. با مرگ ناصرالدین شاه هرج و مرج افزایش یافت.

اشوب‌های ایجاد شده در ۴ گوشه کشور و گزارش‌ها از رفتار ستمگرانه حکام به تظاهرات معترضان می انجامید. شکست روسیه از ژاپن و وقوع انقلاب روسیه ۱۹۰۵ تاثیر فراوانی بر افکار انقلابی روشنفکرانی چون تقی‌زاده، دولت آبادی و مساوات گذاشت.

وقایعی چون چوب خوردن چند تاجر محترم قند و شکر در تهران به فرمان علاءالدوله برای پایان دادن به کمبود قند و به دنبال آن سخنرانی آتیشین سید جمال‌الدین اصفهانی در مسجدی تقبیح حکومت استبدادی و مهاجرت علما و تحصن در حرم مقدس حضرت عبدالعظیم نشانه خشم فراوانی از حکومت بود. عوامل حکومت در جریان سرکوب ناراضیان يك واعظ برجسته را دستگیر کردند.

قانون اساسی را مظفرالدین شاه و ولیعهدش محمد علی میرزا در سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶ امضا کرد. شاه در سال ۱۹۰۷ از دنیا رفت و محمد علی میرزا جانشین او شد. اختلافات شاه جدید با مجلس به کودتای او در ژوئن ۱۲۸۷/۱۹۰۸ انجامید.

یک سال بعد در ژوئن ۱۹۰۹ سپاه بختیاری در اصفهان به فرماندهی سران ایل و لشکر گیلان به سرگردگی ملاکان بزرگی چون سپهدار تنکابنی و فتح‌الله خان در قزوین گردامند و پیروزمندانه با تهران حمله کردند. شاه استعفا داد و از کشور اخراج شد و حکومت مشروطه این بار انقلابی‌تر احیا گردید.

در اثر رشد صنعت و امپراطوری در اروپا اقتصاد ایران تعادل سنتی خود را از دست داد. و بیش از پیش آغوشش را به سوی تجارت جهانی باز کرد. در نتیجه تولید و صدور محصولات سنتی کاهش یافت و تولید و صدور محصولات کشاورزی خاص فروش (مانند پنبه و تریاک) افزایش یافت. و واردات کارخانه‌ای جدید بیشتر شد. (۳) سواي آن از دست دادن بخش‌هایی از کشور سبب شد که ما از برخی از منابع طبیعی و اجتماعی خود محروم شود.

همچنین روند تضعیف سیاسی - اقتصادی به کاهش تعرفه‌های گمرکی منجر شد که صنعت از نظر اقتصادی بی‌بینه و از لحاظ فناوری توسعه نیافته کشور را در برابر واردات کالاهای ماشینی شیک و ارزان و بی‌دفاع گذاشت و نتیجه‌اش توقف صدور تولیدات داخلی، غلبه تولید محصولات کشاورزی از نوع پنبه و تریاک و افزایش عمومی واردات بود.

عواقب تورم در پی کاهش شدید بهای جهانی نقره که پشتونه پول ایران بود. و کاهش سطح زندگی باعث نارضایتی ایرانیان شد.

فشر روشنفکران را کلید پیشرفت اروپا دانستند که قانون برای آنها ابتدا با حکومت پاسخگو و بعدها قانون مترادف با آزادی. در حالی که در کشورهای غربی و اروپایی آزادی و قانون معنی آزادی از قانون (سنت‌های) می‌باشد. حال آنکه در نظر بسیاری از مردم ایران قانون در آزادی خلاصه شد که در آخر کارش به لجام گسیختگی کشید.

به نقل کاتوزیان بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه خود مشروطه بود:

حکومت بر پایه قانون اساسی باوری که مبارزان و حامیان انقلاب داشتند.

از جمله دستاوردهای منفی انقلاب مشروطه: ۱- اختیارات فوق‌العاده مجلس. مجلس را خانه ملت می دانستند (در مقابل دولت) گویی این دو هنوز در نظام استبدادی برفته‌رو درویری یکدیگر بودند. مجلس را زیر مجموعه‌ای از دولت نمی‌دیدند بر عکس آن را نیروی ملت می‌پنداشتند که می‌توانست به دولت (دستگاه اجرایی) حتی در مورد جزئیات کارش دستور دهد. اصل تفکیک قوا که در قانون اساسی‌شان آورده بودند بدون اینکه شناخت درستی از آن داشته باشند.

۲- نظام جزئی یا پارلمان مناسبی وجود نداشت که کابیه‌های با دوام تر از طریق آن بتوانند مجلس را با خود همراه کنند.

۳- از عوامل هرج و مرج گرایش همبستگی به خود مختاری، خان خانی فتنه و آشوب.

و همچنین هرج و مرج که هم مسئول آن دخالت خارجی در ایران که از اوایل قرن ۱۹ دخالت رو به افزایش گذاشته ولی ارتباطی با نوع هرج و مرج داخلی که پس از سال ۱۹۱۰ کشور را فرا گرفت نداشت. گسترش تازه روابط دوستانه و قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس به تضعیف بیشتر دولت ایران انجامیده بود.

البته نباید نقش مهم نیروهای داخلی - چه در مراکز سیاسی و چه در ولایت - در ایجاد اختلال؛ ناامنی، کشمکش و خطر تجزیه کشور نادیده گرفت گواهی کتاب حجیم کسروی. تاریخ هجده ساله اذربایجان است، تنها به عنوان نمونه به هر حال هرج و مرج نتیجه سقوط هر حکومت استبدادی بود.

هر بار که حکومت استبدادی در ایران تضعیف می‌شد یا سقوط می‌کرد، دچار هرج و مرج می‌شد. در نتیجه هرج و مرج پس از مشروطه ادامه پیدا کرد تا اینکه جنگ و اقدامات دول متخاصم کشورها را تا آستانه تجزیه پیش برد.

اما این طور نبود که انتخاب مشروطه فقط زیان بار باشد و سودی عاید نشده باشد

انقلاب مشروطه همان گونه که قبلاً ذکر شد و هدفش برچیدن بساط حکومت استبدادی و جانشین کردن حکومت مشروطه بر اساس حاکمیت قانون.

در مورد این هدف انقلاب مشروطه همان‌طور که نشان دادیم که رمقی برای ایجاد نظام مشروطه باقی نماند. و کشمکش خانمانسوز خود مشروطه خواهان با یکدیگر حتی کار عادی کشور داری را بسیار دشوار کرد. باید اضافه کرد که بزرگ ترین دستاورد رضاشاه برقراری نظم و ثبات در هرج و مرج بود.

و هدف دوم نوسازی دستگاه اداری و بکارگیری آموزش و پرورش جدید، تسهیلات جدید حمل و نقل. شاید بتوان گفت که در مورد این هدف پیشرفتی حاصل شده که دوام بیشتری داشت. قشری کارمند پدید آمده و آغاز به فراگیری روش‌های جدید کشورداری کرد. حکم قضایی تاسیس شدند. رشته حقوق پدید آمد. مفاهیم ابتدایی قانون و عدالت قضایی، انتخابات و نمایندگی مجلس و مفهومی‌های دیگری از این قبیل پس از مشروطه پدید آمدند.

این دستاوردها شالوده پیشرفتهای سریع و بیشتر را در دوره رضاخان و رضاشاه فراهم آورد تا اندازه‌ای به دلیل آنکه (همچون گذشته) مطلوبیست آنها چندان مورد اختلاف نبود ولی بیشتر بدین سبب که تراکم و تمرکز قدرت تعقیب سریع این اهداف را بسیار آسانتر می‌کرد.

۲- چگونه مشروعیت در برابر مشروطیت فرار گرفت و آیا این (مشروطیت و مشروعیت) به طور طبیعی در تقابل هم و در تضاد و با هم هستند یا خیر؟

مشروع نام مبهمی بود که نوری و پیروانش روی حکومت مبتنی بر شریعت گذاشتند. از آنجا که مشروع به عنوان شقی در برابر حکومت مشروطه شکل و محتوای مشخصی نداشت. مقوله سیاسی روشنی نیز نبود. و همسویی و همکاری مبلغان آن با حکومت استبدادی شاه نیز اعتبار چندانی برای ادعای مشروطه خواهی آنان باقی نگذاشت. این مشروع خواهان سنت‌گرایانی بودند که حداکثر هدفشان تفویض حکومت استبدادی با حکومت مطلق بر اساس شریعت بود و در چارچوب سلطنت قاجار و بدون دست زدن به چارچوب اجتماعی سنتی موجود. حتی چشم دیدن مطبوعات را نداشتند. خلاصه اینکه مشروع سنت‌گرا بود. نوری و هواخواهانش که مشروع خواه بودند از ترویج فرهنگ جدید اروپایی بیم داشتند.

وطي تعصن در حرم حضرت عبدالعظيم در تابستان ۱۹۰۷ خواسته‌هاي خود را به شكل عنوان كردند.

۱- در نظام نامه اساسي مجلس بعد از لفظ مشروطه بايد لفظ مشروعه نوشته شود.

۲- در قانون قيد شود كه همه قوانين بايد از نظر گروه‌هاي از علما بگذر و كه اختيار انتخاب آنها فقط و فقط با مراجع نظام باشد.

۳- مواردی از قانون اساسی از این دست از این دست كه اعلام می‌کرد «مطبوعات مطلقاً آزاد است».

و آن را «علمای عظام تغییر دادند و تصحیح فرمودند» مورد تجدید نظر قرار گیرد و با شرح منطبق گردد. آنها مخالف سیاست‌های تجدد خواهانه ای مانند سوادآمندی زنان، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای توسعه اقتصادی به جای اختصاص و جوه به امور مذهبی بودند. حتی از چیزهایی مانند فریاد «زنده باد» نمایش‌های آتشبازی و دعوت از سفیر خارجی در مصیبت همسرانشان برای شرکت در مراسم رسمی اولین سالگرد صدور فرمان تأسیس حکومت مشروطه می‌ترسیدند. وحشت شدید آنها ناشی از احساس بیگانگی از یورش فریب‌الدفع فرهنگ کاملاً غریبه و بیرون رفتن امور از دستشان و از گردونه خارج شدنشان از نوشته‌های آنها پیداست.

و پس از کودتای شاه (در سال ۱۹۰۸)، نوری - اعتقاد قلبی‌اش هر چه بود، و به رغم طرفداری‌اش از مشروطه مشروعه تا پس از کودتا - سرانجام یکسره از براندازی مشروطه طرفداری کرد و این شاید بهانه‌ای بود برای سکولاریسم و نوسازی اجتماعی و فرهنگی پرداخت. حمله به نقش مشروطه بود که مراجع بزرگ نجف را به سرکردگی آخوند خراسانی باشد بیش از پیش و خاصه پس از کودتای ۱۹۰۸ به مقابله با نوری و شاه واداشت. جواب ادعاهای نظری نوری و پیروانش را نیز همینان دادند. و در پایان علمای نجف نوری را مفسد اعلام کردند:

نوری چون مغل به آسایش و مفسد است. تصرفش در امور حرام است بدین ترتیب هم نوری و هم شاه مجادله دینی را به علمای مشروطه خواه که کفه اقتدارشان، هم از حیث کمیت و هم از نظر اهمیت به گفته نوری و پیروانش می‌چربید باختند.

در پایان پاسخ این سوال را اینگونه پایان می‌برم که بعد از انقلاب مشروطه، مشروعیت در مقابل با مشروعیت قرار گرفت و این امر در پایان منجر به حذف مشروعیت و طرفداران آن قرار گرفت.

چرا مشروعیت در ایران ناکام ماند؟

همان طور که قبلاً بیان کردم آرمان‌های انقلاب مشروطه در ایران برای پیشگامان انقلاب روشن بود. آن‌ها از ستم به ستوه آمده بودند و عدالت می‌خواستند استبداد دمار از روزگار مردم می‌کشید. مردم در پی آن بودند تا اندکی از فشار استبداد بکاهند و قدرت مطلقه ی شاه را که بازچیهی استعمار بود، مهار کنند، این که مردم واژه‌ی مشروطه و ساخت عثمانی را پذیرفتند، از آن روی بود که می‌خواستند حکومت شاه را مشروطه به رای مردم و خردجمعی کنند اما بدلائل فراوان این انقلاب ناکام شد. چرای این ناکامی می‌بایست از چشم‌اندازهای گوناگون و برپایه دانش و ژرف اندیشی بررسی شود ما برای انجام بررسی درست و همه جانبه ی یک پدیده می‌بایست هم خود پدیده‌ها را بشناسیم و هم آنچه را که در پیرامون آن پدیده هست و می‌تواند آن کاری باشند، بدرستی دریابیم. درباره انقلاب مشروطیت ده‌ها پدیده‌ی ریز و درشت می‌توانستند کاری بوده باشد.

منوچهر تقوی بیات در مقاله‌ای تحت عنوان چرا مشروعیت ناکام ماند؟

کوشش کرده تا کلان‌ترین آنها را بر شمرده پس نگاه به سراغ پدیده‌ی آزادی خواهی (دموکراسی) و انقلاب مشروطیت (یا انقلاب کنستی توسیدنال (Revelution consti tu tionelle) برویم آن چه از آن میان، داور درست درباره‌ی آن‌ها ناگزیر بشمار می‌آید. این‌ها هستند:

۱- ایران و جایگاه میهن ما در جهان

۲- پدیده‌ی انقلاب مشروطیت (انقلاب) مردم سالاری پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی در جهان و در ایران

۱) ایران گذشته‌ای بسیار دارد جایگاه جغرافیایی ایران و آبادانی آن به گونه‌ای بوده که همیشه همسایگان دور و نزدیک به آن چشم داشته‌اند و از هر سو به آن تاخته‌اند.

درست در دوره‌ای که کشورهای اروپایی پای به جاده پیشرفت نهادند در ایران دولت ملی، در چنین آسیب‌پذیرفت و دچار بختک استعمار شد.

جای پای بیگانگان از پایان سده ۱۵ میلادی به این سو، در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران دیده می‌شود از همین زمان است که با ادعاهای قومی و تجزیه طلبی، بخش‌هایی از میهن ما را ساخته‌اند. حکومت شیعه صفوی را به جنگ با حکومت اسلامی عثمانی وا داشتند. با کمک پادشاهان دست نشانده‌ی مغولان هند، ایمر و میرویس هوتکی غلجایی را در قندهار به تخت استقلال نشانند. کشته شدن شاهزادگان صفوی ماند شاه تهماسب و پس آن از آن قتل نادرشاه آغاز «قتل‌های زنجیره‌ای و سیاسی» در ایران به شمار می‌آید. پاره‌هایی از کشورهای ایران جدا ساختند. که در آن این ساله‌ها از پیکر ایران جدا ساختند.

۲) انقلاب اجتماعی ملی که در آن مردم شیوه فرمانروایی خود را نوشته و به گونه‌ی قانون به کرسی نشانند. نخستین بار در سال ۱۷۷۶ در آمریکای شمالی انجام گرفت.

در اروپا انقلاب اجتماعی و سیاسی با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ برای برپایی دموکراسی آغاز شد، این انقلاب در همه‌ی کشورهای اروپایی به یک شیوه و در یک زمان انجام نگرفته. دگرگونی‌های گسترده‌ای در سده‌های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ در زندگی مردم اروپا به ویژه انگلستان و فرانسه پدید آمد و این دگرگونی‌ها کم کم پایه‌های فرمانروایی زمین داران را سست کرد بازگانی گسترش پیدا کرد. کشتی‌سازی، کشتی‌رانی جنگ‌ها و کشورگشایی‌های مستعمراتی و دزدبهای دریایی افزایش یافت. چپاول مستعمرات بر دارایی بازگانان. نظامیان و سرمایه‌داران افزود. شمار روزنامه‌ها، کتاب، کارگاه‌ها و کارگران ارتشی‌ها و بیکاران در شهرها افزایش یافت. مهاجرت صورت گرفت. این دگرگونی‌ها از کارایی و اعتبار مرکانتیسم کاست. صنعت ترابری و بازگانی به کسترش بیشتری نیاز پیدا کرد.

ناچار آزادی داد و ستد و دگرگونی در مقررات گمرکی پدید آمد. شیوه اندیشه‌ی آزادی عمل آزادی داد و ستد از بازگانی و صنعت به زندگی روزانه مردم راه یافت. و برای مردم فرانسه و اروپا آزادی اجتماعی و دموکراسی را به ارمغان آورد. نهادهای شهری، انجمن‌ها و سندبک‌ها و حزب‌ها رو به افزایش نهادند و آزادی اجتماعی و سیاسی گسترش یافت.

در ایران پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی به گونه‌ای دیگر بود. پس از فروپاشی ساسانیان کاست ها از بین رفت و توده‌های مردم به خواندن و نوشتن دست یافتند. مردم از یونانی ها کاغذسازی را فرا گرفتند. با پیدا شدن دانشمندی چون فارابی، رازی، ابن‌سینا و .... می‌توان گفت که رنسانس پیش از اروپا در ایران و کشورهای اسلامی بود.

باید گفت که به دلیل وجود برخی از فرقه‌های تصوف از جمله آیین فتوت (جوانمردی)

که کارشان بر گمراه کردن مردم و بهره‌کشی از پیشروان بود؛ از آغاز سده شانزدهم به ابزاری برای استعمار گران در واپس ماندگی صنعتی کشور مبدل شدند.



اقای دکتر علی حسوری به کتابی در دست تالیف دارد که سه چهارم آن نوشته شده و در آن به نقش جوانمردی در تاریخ می‌پردازد. فشرده بخشی از بررسی‌های او را می‌توان چنین بیان کرد او می‌نویسد «..... عوامل چندی در عقب ماندگی اهل حرفه و در نتیجه صنعت در ایران موثر بوده است که از آن جمله تصوف و فرزند آیین جوانمردی (فتوت) است. همه‌ی کوشش پیشوایان جوانمردی که گماشته‌ی قدرت بودند در این بوده است که جلو استقلال فکر و کارهای اجتماعی پیروان خود را بگیرند و آن را در مسیری هدایت کنند که:

۱) سرسپردگی یکی از مکاتب جوانمردی - که تصرف اهل حرفه ایست - باشند.

۲) به کمترین راضی باشند.

۳) کار را عبادت بشمارند و در راه خدا برای بهبود زندگی خود و دیگران کاری نکنند.

چنین وضعی باعث عقب‌ماندگی صنعت کشور شد اروپاییان با دست اندازی به فرمان روایی در ایران با پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ایران را دچار گزند و ایستایی کردند.

جنگ‌ها، شکست‌ها، پیمان‌های ستمگرانه‌ای استعماری مانند جدا کردن اندک اندک افغانستان از ایران و سرانجام پیمان‌های هرات، گلستان ترکمن‌چای، افزایش رفت و آمدهای جهانگردی در آن سال‌های و همچنین افزایش داد و ستد و رفت و آمد بازرگانان، سیاست مداران روزنامه‌نگاران به کشورهای اروپایی و آگاهی از شیوه تازه‌های فرمانروایی مردم بر سرنوشت خودشان مهمترین رویدادهای پدید آورنده‌ی انقلاب کنستتی نوییونال در ایران به شمار می‌روند. آرمان و شیوه آزادی خواهی، خواست مردم بر پایه آرمان‌های ملی یا قانون اساسی که همان حکومت کنستتی نوییونال باشد نیز یک راست و بدون میان‌جی به دست ما نرسیده، در ایران از آغاز جنبش آزادی خواهی، نه واژه‌ی دموکراسی، نه کنستتی توسیدن و نه پارلمان با همان کاربردهای اروپایی به کار گرفته نشده است. نخست واژه‌ی عدالت خانه به میان آمده است و پی از آن مشروطه به معنی حکومت قانون بر سر زبان‌ها افتاده است. مشروطه یا مشروطیت هم خاستگاه زبانی و حقوقی درست‌ی نداشته است.

دو ویژگی کلان حکومت‌های مردم سارانه و کنستتی نوییونال

الف) استقلال به آزادی همه جانبه‌ی یک کشور در امور سیاسی و اقتصادی بدون دخالت و نفوذ آشکارا و یا پنهانی بیگانگان، استقلال و عدم وابستگی می‌کنند. کشور ما ایران از سده شانزدهم به این سو؛ کم و بیش بازبچه‌ی دست سیاست‌های بیگانه و به ویژه اینگیس، روسیه و عثمانی بوده است.

آقای دکتر محمد علی کاتوزیان در رویه‌ی ۱۱۲ کتاب اقتصاد سیاسی خود می‌نویسد: در دوره‌ی ۹۷-۱۲۸۰ پدیده‌ای نو در ایران ظهور کرد که در دهه‌های بعد تقریباً بر همه‌ی جنبه‌های اقتصاد سیاسی سایه افکند: اکتشاف، تولید و صدور نفت در سال ۱۲۸۰/۱۹۰۰ به ازای ۲۰۰/۰۰۰ لیره اینگیسی ( که در سال ۱۲۸۳/۱۹۰۲ پرداخت شد) امتیازی برای اکتشاف و تولید نفت تا ۱۳۳۹/۱۹۰۶ به ویلیام داریسی و شریکانش واگذار شد که عملاً تا سال ۱۳۳۹ تمامی ایران بجز منطقه‌ی زیر نفوذ روسیه را در بر می‌گرفت. نتیجه فعالیت‌های که در پی اعطای این امتیاز آغاز شد در سال ۱۲۸۷ کاملاً آشکار شد. در همان سال شرکت نفت اینگیس و ایران برپا شد و حکومت اینگیس بی‌درنگ ۵۱ درصد سهام آن را خریداری کرد.[۳]

با چنین قراردادی چنان که درصد و چند سال گذشته دیده‌ایم، ایران به یک کشور نیمه مستعمره و نیمه مستقل بدل شده است.

باید به یاد بیاوریم که انقلاب مشروطیت ایران در همان سال‌های نخستین، با دست اندازی سیاست‌های بیگانه مانند روسیه و اینگیس روبه رو بود و بارها با دخالت مستقیم و نیرنگ‌های آن‌ها استقلال و آزادی میهن ما را به نابودی کشیده شد.

یکی از انگیزه‌های خیرش انقلاب مشروطیت را می‌توان ناخشنودی مردم از همین دخالت‌های بیگانگان دانست چنانکه پس از انقلاب آشکار گردید که درست در سال ۱۹۰۷ که نخستین قانون اساسی ایران نوشته شد، اینگلیس و روسیه برابر پیمان ۱۹۰۷ ایران را پنهانی بین خود تقسیم کرده بودند. هنوز مرکب قانون اساسی مشروطیت خشک نشده بود که با نیرنگ بازی‌های پنهانی بیگانگان و به دلیل همان قرارداد، روس‌ها مجلس شوری ملی را به توپ بستند.

درباره‌ی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و چون جرای آن بسیار سخن رفته است.

اما دکتر محمد علی کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی، مغز و جان سخن را چنین گفت: «..... مراد از کودتا گزیدن راه‌دیگری بوده است برای تحقیق جوهر قرارداد ۱۲۹۸/۱۹۱۹، یعنی برقراری ثبات سیاسی در ایران به گونه‌ای که منافع بریتانیا تهدید نشود، گفتنی است که رضاخان که فرمانده بریگاد و قزاق‌ها بود که بعداً بر تحت سلطنت نشست، به مشروطیت دل‌بستگی نداشت و بسیاری از آزادی‌خواهان را کشته و به زندان انداخت.

انتخاب دکتر مصدق در هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

از سوی نمایندگان مجلس بزرگترین پیروزی مشروطیت خواهان و مشروطه‌خوان به شمار می‌رود توانست با یک اقلیت کوچک از نمایندگان ملی و پیش‌تیبانی توده‌های سازمان نیافته و با احساسات میهنی مردم ایران یک دولت ملی برپا کند ولی متأسفانه در برابر حکومت ملی، دربار وابسته ارتش استعماری بافت سنتی زمین‌داری ریشه دار، شبکه گسترده‌ی مذهبی و نیز شبکه‌ی جاسوسی «خانه سران» با چندین سده تجربه بی‌پایان قرار داشت و همین امر باعث منحل شدن کابینه مصدق شد.

از نظر منوچهر تقوی بیات کودتای اینگلیس - امریکایی ۲۸ مرداد حال ۱۳۳۲ چنان که تاریخ نشان داده به شکست همیشگی مشروطه خواهان انجامید.

محمد رضا پهلوی نیز مانند پدرش، مشروطیت را برچید و استقلال میهن ما را به بیگانگان فروخت.

ب - افزون بر استقلال که پیش شرط انقلاب مشروطیت بشمار می‌رود. پیشرفت‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی زیربنای چنین حکومتی را می‌سازد بر پایه پیشرفت‌های صنعتی و همچنین ماندن نوین نهادهای پیشرفته شهری، فرهنگستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس صنعتی.

بانک‌ها، روزنامه‌ها و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی؛ انقلاب ملی و مشروطیت پدید می‌آید. شاید ایران با پشتوانه‌ی فرهنگ فردگرا و مردم خردمند و آزادی‌ای مانند قائم مقام، مشیرالدوله دکتر مصدق یا دکتر حسین فاطمی می‌توانست به پیشرفت‌های فراوانی دست یابد. یا داوری می‌کنیم که در انقلاب فرانسه و دیگر انقلاب‌های اروپایی اشراف، فئودال‌ها و کلیسا در برابر بانک داران؛ بازرگانان، صاحبان صنایع؛ کارگران و دیگر شهرنشینان شکست خوردند. زمین داران و کلیسا پس از چندین دهه خود را با قانون‌گذاری و نهادهای مردمی و شهری هم‌آهنگ ساختند.

اما در سپیده‌دم بیداری مردم شهری در ایران تنها شمار اندکی از بازرگانان روشنفکران و آزادگان تهیدست در انقلاب مشروطیت دست داشتند. اما از نظر کاتوزیان «همه طبقات شهری به درجات مختلف در آن شرکت کردند و حتی یک طبقه (به صورت طبقه) در برابر آن نایستاد. انقلاب مشروطه طغیانی بود از قبیل طغیانهای تاریخ ایران بر ضد استبدادی کهن.»

در سه دهه‌ی پایانی سده‌ی نوزدهم میلادی که می‌باید زمینه ساز و پیش درآمد انقلاب مشروطه به شمار آید و نشان دهنده‌ی بالندگی نیروهای تاریخی انقلاب باشد، ایران تنها دچار پاشیدگی و پس رفتن بود. نیروهای اجتماعی

انقلاب برای پیش بردن ارا به انقلاب از پشتوانه و پشتیبانی صنعتی و اقتصادی ملی نیرومند برخوردار نبود. و بحث را با گفته‌ی

آقای محمد علی کاتوزیان پایان می‌بریم که می‌گوید: «..... در این سه دهه‌ی واپسین است که جلوه‌های فروپاشی اجتماعی - اقتصادی رخ می‌نمایند، گسترش حوزه‌های اقتدار امپراطوری‌های خارجی، فروش امتیازات فروش امتیازات تجاری، انباشت وام‌های خارجی؛ انباشت کسری پرداخت‌ها، کاهش سریع ارزش پول ناآرامی بر ایالات و ولایات و جز این‌ها. این نویسنده در همان جا ایران را با جهان پیشرفته می‌سنجد و چنین می‌گوید: «در قرن سیزدهم / نوزدهم که زمان ظهور عواملی چون رقابت امپراطوری‌ها، تجارت آزاد تکنولوژی جدید، و دموکراسی سیاسی و غیره بود؛ اقتصاد ایران؛ همانند سیاست آن، ناگزیر از «تعادل» خارج شد، نقشه‌های جغرافیایی، انسانی و طبیعی کشور در پی از دست رفتن پاره‌ای از مناطق آن تغییر کرد و به محدودتر شدن ظرفیت تولیدی و بازار داخلی و کاهش قدرت سیاسی آن انجامید.

کودتای ۱۲۹۹

چه عواملی سبب کودتای ۱۲۹۹ شد؟

در نتیجه‌ی مذاکرات و هماهنگی‌های به عمل آمده بین سید ضیا و طباطبایی (مدیر روزنامه‌ی رعد) و رضاخان در سوم اسفند ماه کودتای ۱۲۹۹ صورت گرفت و قوامی قزاق به تهران وارد شدند و ادارات دولتی و مراکز نظامی را اشغال کردند و نزدیک به صد تن رجال سرشناس و روحانیون بازداشت و زندانی شدند. احمد شاه و محمد حسین میرزا به کاخ فرخ آباد گریختند و فتح الهه خان سپهدار رشتی (نخست‌وزیر) به سفارت انگلیس پناهنده شد.

در مورد چگونگی کودتا و نقش انگلیس در آن روایت‌های گوناگونی مطرح است.

نظر برخی از تاریخ‌نویسان (مانند سیروس غنی و همایون کاتوزیان) گفته می‌شود دولت بریتانیا برای کنترل اوضاع ایران اقدام به کودتای نظامی کرد. از دید برخی تاریخ‌نویسان: اکنون با باز شدن اسناد طبقه بندی شده وزارت امور خارجه انگلیس مانند آردون سایر و نرمن (سفید وقت انگلیس در ایران) چند روز قبل از کودتا از آن خبر داشتند.

نمونه‌ای از روایات تاریخ‌نویسان جمهوری اسلامی مانند عبدالله شهبازی:

پس از خروج نیروهای روسیه از ایران دولت بریتانیا برای کنترل اوضاع ایران اقدام به کودتای نظامی کرد. برای اجرای این طرح ژنرال ارون سایید (فرماندهی قوای انگلیسی در ایران) اردشیر جی (رئیس شبکه اطلاعاتی بریتانیا در ایران و روزنامه نگار زرتشتی) رضاخان و سید ضیا طباطبائی مدیر روزنامه‌ی رعد مذاکراتی در روستای آق بابا نزدیک قزوین انجام دادند.

در کودتای ۱۲۹۹ و حوادث بعدی آن شبکه‌ی مفصل اطلاعاتی حکومت هند، بریتانیا در ایران که از سال ۱۸۹۳ میلادی / ۱۳۱۰ قمری، یعنی سه سال قبل از ناصرالدین‌شاه به وسیله‌ی اردشیر جی اداره می‌شد، نقش اصلی و تعیین کننده داشت. این شبکه بود که رضاخان را برکشید و پدرش داشت و تمامی مقدمات کودتا را فراهم کرد و پس میسر دشوار او را در تاسیس حکومت پهلوی هدایت و هموار کرد.

درباره‌ی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و چون و چراي آن بسیار سخن رفته است اما دکتر محمد علی کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی، مغروران سخن را چنین گفته است: «.... مراد از کودتا، گزیدن راه دیگری بوده است برای تحقق جوهر قرارداد ۱۹۱۹/۱۲۹۸ یعنی برقراری ثبات سیاسی در ایران به گونه‌ای که منافع بریتانیا در منطقه تهدید نشود گفتنی است که این رضاخان از فرماندهان بریگاد قزاق بود قزاق‌ها پس از رفتن از روس‌ها از ایران بی‌سرپرست ماندند و انگلیس‌ها پدرخواندگی آنها را پذیرفتند این فرمانروایی که انگلیس‌ها به ایران گماشتند خواندن و نوشتن نمی‌دانست.

به انقلاب مشروطیت و آزادی دلبستگی نداشت، زورگو، ستمگر و زیاده‌خواه بودند و از فراوان نیز داشت و در زمان او بسیاری از آزادی خواهان کشته، زندانی و یا خانه‌نشین شدند.

عوامل زمینه‌ساز قرارداد ۱۹۱۹

در اوایل سال ۱۹۱۸ پس از آنکه در روسیه انقلاب بلژیکی رخ داده و جنگ داخلی آغاز شده بود و هنگامی که در اشوب در ایران بیداد می‌کرد انگلستان در صدد برآمد که دولتی هوادار انگلیس در ایران برسرکار آورد تا هم ثبات را به کشور برگرداند و هم اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور را به حال عادی درآورد نمره‌ی وثوق در هر دو امتحان از دیگر سیاستمداران بیش تر بود چون هم انگلیس تمایل داشت و هم عرضه‌ی رهبری دولتی قوی را داشت. و قتی دولت قوی متمایل به انگلیس در ایران بر سر کار بود بریتانیا می‌توانست سیاستی اتخاذ کند که هم ثبات و امنیت را به ایران برگرداند و هم منافع انگلیس را در منطقه تامین کند.

در انگلیس اختلاف نظر بر سر سیاست مناسبی در قبال ایران از نوامبر ۱۹۱۸ بروز کرد کاکسی پیشنهادی را در مورد امکان اخذ قیموت انگلیس بر ایران از کنفرانس صلح پاریس - به بحث گذاشت که با مخالفت صریح دولت انگلیسی هند روبرو شد نایب السلطنه نوشت که درخواست قیمومت ایران از کنفرانس صلح پاریس بدون تقاضای خود ایران نقض صریح تضمین‌های مکرر ما در مورد استقلال ایران خواهد بود.

اینها تازه مراحل اول کشمکش‌ها بود که در دولت و امپراطوری بریتانیا بر سر مناسب‌ترین سیاست انگلیس در قبال ایران در گرفت و ماه‌ها تا زمان عقد قرارداد به درازا کشید و سپس هنگامی که امکان موقعیت قرارداد با تردید فراوان روبه‌رو شد از نو بروز کرد موضوع در کمیته‌ی خاوری کابینه‌ی جنگی انگلیس که کرزن بر آن ریاست و در آن نفوذ فراوان داشت مورد بحث بود کمیته به بحث درباره‌ی چگونگی ارتباط با ایران و میزان تعهد مناسب برای انگلیس پرداخت کرزن (همراه با کارمندان در وزارت خارجه) خواهان دخالت بیشتری بودند و سرانجام همین خواسته‌ی آنها در قرارداد ۱۹۱۹ متجلی شد.

کرزن نظر خودش را در جلسه‌ی ۳۰ دسامبر ۱۹۱۸ کمیته خاوری بیان کرد او گفت که رها کردن ایران غیر اخلاقی، نشانه‌ی ضعف و فاجعه بار است. کسب قیمومیت نیز محتمل است و نه عملی.

او همچنین معتقد بود که باید با هیات ایرانی (که از کاکس شنیده بود راهی پاریس‌اند) بی‌پرده صحبت کرد و در مورد استقلال و تمامیت ارضی ایران به آنها اطمینان خاطر داد و قرارداد منفور روس و انگلیس را باطل کرد برای سازماندهی نیروی نظامی یکپارچه باید به پیشنهاد (کمک داد به شرط اینکه فرماندهش انگلیسی باشد (ولی ایران بتواند از ملیت‌های دیگر هم افسر استخدام کند) برای ساماندهی امور مالی کشور نیز همین طور، به شرط اینکه از مستشار انگلیسی استفاده شود. اگر ایران این پیشنهاد را نپذیرفت بریتانیا باید کمک‌هایش را قطع کند و خواستار بازپرداخت بدهیهای کلان ایران شود و آنها را با مشکلاتش تنها بگذارد.

کم محلی کرزن به هیات نمایندگی ایران در پاریس و پافشاری او بر استفاده ایران از مستشاران انگلیسی دو علت عمده‌ی خشمی بودند که قرارداد ۱۲۹۸/۱۹۱۹ برانگیخت، اینها نظرات کرزن در آن زمان بود که مبنای مذاکرات کاکس در تهران قرار گرفت و به قرارداد ۱۹۱۹ منجر شد.

در اوایل مارس ۱۹۱۹ نیمه‌های اسفند ۱۲۹۷ بود که کاکس پس از دریافت روش نظر کرزن در این مورد ها به کارش در تهران ادامه داد و ظرف یکماه پیش نویس قرارداد را برای کرزن فرستاد که مبنای سندنهایی شد.

نتیجه‌گیری

همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم این کتاب به بررسی دولت و جامعه در ایران از انقراض قاجار تا استقرار پهلوی پرداخته است. یعنی دوره‌ای که اوج حوادث مهم و اتفاقات منحصر بفرد ( به گفته خود نویسنده) و وقایع سرنوشت

ساز و در عرصه‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی بوده است. بطوریکه شاید بتوان گفت که آثار و نتایج آن رویدادها حتی تا به امروز در جامعه ایران ملموس است.

در این اثر نویسنده سعی کرده است که ابتدا با در دست داشتن منابع و اسناد تاریخی و گردآوری اطلاعات مورد نیاز شرح دقیق و روشنی از هر یک از حوادث مهم آن زمان (از جمله انقلاب مشروطه، قرارداد ۱۹۱۹ کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضا شاه و ...) ارائه دهد.

زیرا معتقد است که تا به حال مطالعه‌ی تفصیلی و جامعی نه در مورد قرارداد و نه در باره‌ی کودتا انجام نگرفته بود و به دلیل تأثیر فراوانی که این دو واقعه در سیاست و تاریخ معاصر ایران گذاشته بودند ضرورت داشت که تحلیلی بر اساس مدارک و شواهد تاریخی صورت پذیرد تا مطالب برای همه‌ی علاقه‌مندان روشن شود.

در ادامه‌ی کار نویسنده می‌کوشد که استدلال‌ها و نظریات و برداشت‌های منطقی و بسیار واقع بینانه‌ی خود را نیز در لابه‌لای مطالب با بیاناتی بسیار ساده و اسان بیاورد و او حتی سعی داشته است که این رویدادها با نمونه‌های مشابه آن در غرب (اروپا) بپردازد.

تا به این طریق اولاً بتواند وقایع مهم تاریخ کشورمان را به شکل همه جانبه تر و در ابعاد گسترده‌تر مورد بررسی قرار دهد و تأثیر ذهن مخاطبان را در این راستا به فعالیت بیشتری وادارد تا در رابطه با بسیاری از این رویدادها خود در کرسی قضاوت بنشینند و بر اساس اطلاعات ارائه شده بتوانند به نتیجه‌گیری درستی دست‌یابند از طرف دیگر نویسنده کتاب در پایان هر فصل در چند خطی از تحلیل‌های نهایی خود را آورده است تا به خواننده این امکان را بدهد که جمع‌بندی ساده‌ای از آن فصل (آن هم جمع‌بندی که بیش تر در بردارنده دیدگاه‌های نویسنده‌ی کتاب است) در اختیار داشته باشد برای مثال او در رابطه با انقلاب مشروطه در انتهای فصل دوم کتاب آورده است:

(انقلاب مشروطه) همچون شورش‌های ایرانی پیشین هنگامی که رخ داد که دولت ضعیف و سلطان ناتوان و بی‌کفایت بود؛ به طوری که حکومت استبدادی از عهده‌ی اجرای وظیفه‌ی حداقلی اما حیاتی‌ش که حفظ نظم و امنیت بود؛ بر نمی‌آمد؛ ولی پیامدهای انقلاب با همه‌ی پیرایه‌های جدید اروپایی‌اش بیشتر در راستای کشاکش سنتی دولت با ملت - حکومت غیر مسئول و جامعه متمرکز - بود چنان که بر خلاف حکومت‌های مشروطه‌ی اروپایی هیچ یک از دو طرف حاضر به توافق به حداقل همزیستی و همکاری با هم نبودند. نتیجه، شد مسابقه‌ای حذفی، که انقلابی‌ها در آن برنده شدند و لی شکاف دیرینه‌ی بین حکومت و رعیت بر جای ماند و قانون در نظر بسیاری از مردم، در آزادی خلاصه شد و آزادی‌کاری به لجام گسیختگی کشید. عجب نبود که مشروطیت بیشتر از پانزده سال دوام نیاورد و این گرایش به هرج و مرج و تجزیه و خلال آن روز به روز قوی تر شد چنان که بعید به نظر می‌رسید که کشور از آن جان به در برد. [۴]

منابع دستاوردهای انقلاب مشروطه

(۱) تقوی بیات، منوچهر، مقاله‌ی [www. Jebhe mwlli. Net](http://www.Jebhe mwlli. Net)

(۲) برای آگاهی از معانی تاریخی «ملت»، «ملی»، و غیره تك؛ محمد علی همایون کاتوزیان «یادداشتی درباره ملت، ملی، ملی‌گرا و ناسیونالیسم» در استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، چاپ دوم، نشر مرکز، ۱۳۷۶.

(۳) کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران، جدول‌های ۲-۲ تا ۸-۲، دگرگونی ساختاری به سود تولید و صادرات مواد اولیه و به زبان ساخت را خاصه در جدول ۷-۳ می‌توان دید.

چگونه مشروعیت در برابر مشروطیت قرار گرفت؟

منابع:

برای پاسخ به این سوال از کتاب دولت و جامعه در ایران همایون کاتوزیان استفاده شده.

(۲): نگاه کنید به اعلامیه‌های آنها و مکاتباتشان با علما در ایران و نامه‌های تند و آشتی و ناپذیر آنها به شخص شاه در تاریخ مشروطه کسروی و تاریخ بیداری نظام اسلام.

(۳) کسروی - تاریخ مشروطه، ص ۵۲۸.

چرا مشروطیت در ایران ناکام ماند؟

منابع

از مقاله منوچهر نقدی بیات

در سایت [www. Jebhe mwlll. Net](http://www.jebhe.mwlll.net) و همچنین کتاب دولت و جامعه در ایران استفاده شده.

(۱) کاتوزیان - محمدعلی همایون - کتاب دولت و جامعه در ایران ص ۷۴

(۲) مرتضی کافی - «باغ برگگی» یادنامه مهدی اخوان ثالث تهران ۱۳۷۰. (کتیبه) صص ۷۲، ۹۰

.London: Ernest Benn, 1988, pp. 213-215 ,See, the earl of ronlas heay , the life of lord curzon, vol. iii

---

[۱] . کاتوزیان، دولت و جامعه ایران، پیشگفتار کتاب

[۲] . بامداد، شرح حال، ج ۳، ذیل مدخل محمود خان حکیم الملک، مهیر السلطنه، خاطرات و خطرات و Browne, the Persian Revdution

[۳] . دکتر محمد علی همایون کاتوزیان. اقتصاد سیاسی اریان از مشروطیت تا پایان سلسه پهلوی، تهران. ۱۳۷۲. ص ۱۱۲.

[۴] . کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران - ص ۷۴